



حرف آخر:
سن و سال فمینیسم در غرب

بیش در آمد

ما یادآوران، به دنبال این بودیم که با تفحص در منابع غربی تاریخچه به کارگیری اصطلاح «فمینیسم» به عنوان واژه کاملی که دربردارنده چگونگی آغاز و تحولات جنبش زنان برای کسب عدالت جنسیتی در جوامع انسانی است، به دست بیاوریم. برای این هدف به سراغ اندکس روزنامه تایمز رفتیم که قدیم‌ترین روزنامه در انگلستان و بازتاب دهنده مسائل جاری در ادوار مختلف دوره‌های اخیر مغرب زمین می‌باشد، و طبعاً نباید از پدیده جنبش زنان و فمینیسم غافل مانده باشد. در این روزنامه در ادوار گذشته اصطلاحات و واژگانی که مفهوم مبارزه زنان برای به دست آوردن عدالت جنسیتی در غرب باشد کم و بیش وجود، ولی اصطلاح «فمینیسم» بسیار متأخر است و اولین بار این اصطلاح با ترکیب «زن فمینیست» در باره فعالیت‌های فمینیستی بانوی انگلیسی به نام «اوا فیگرز» در روزنامه تایمز شماره ۲۲ روز دوشنبه، سال ۱۹۷۰ میلادی درج شده است. یعنی این اصطلاح در میان غربیان حتی کمتر از چهل سال سابقه کاربرد دارد. و لذا برای اهمیت موضوع ترجمه فارسی آن مقاله را که به قلم «هریت چیر» نوشته شده است در این جا درج کردیم. هر چند که خانم حمیرا مشیرزاده در کتابشان از «تاریخ دو قرن فمینیسم» سخن گفته‌اند. چون عنوان کتاب ایشان هست «از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تاریخ دو قرن فمینیسم». لیکن باید گفت این ادوار مقدمات فمینیسم بوده است. فمینیسم به مفهوم احراز عدالت جنسیتی برای زن و مرد، در دین اسلام تاریخ کهن دارد، چرا که پیامبر اسلام از زنان نیز مانند مردان «بیعت» گرفت و این یعنی پذیرش حق رأی برای زنان در عالم سیاست. چنان که اسلام زنان را مانند مردان مالک محصول کار خویش شناخت.

زن فمینیست^(۱)

نوشته: هریت چپر ترجمه امیر فتحی^(۲)

«تنها کاری که از من ساخته است این است که از پسر در تمیز کردن خانه و مرتب کردن رخت‌خوابش کمک بخواهم و به او بگویم که این کار بدور از مردانگی نیست».

اوا فیگز می‌گوید که طرفدار و حامی حقوق زنان نبوده بلکه یک نویسنده خلاق است. او در حال نگارش آخرین کتاب خود است چرا که زنان به‌طور مداوم به او مراجعه کرده و در نتیجه تألیفاتش از او سؤال پرسیده و کمک می‌خواستند. در نتیجه او احساس کرد که در مقابل این مسائل ملزم به انجام کاری است. او با حالتی تدافعی شروع کرد به توصیه به دوستان مبنی بر این‌که مطالعه در زمینه نگرش تاریخی، که منجر به جایگاه فعلی زن در جامعه شده است می‌تواند بسیار جالب باشد.

آن‌گونه که اتفاق افتاد او به هیچ‌وجه نیازی به چاپلوسی و متقاعد کردن افراد نداشت و او بقدری موفق بوده که هم‌اکنون به خاطر اصرار زیاد دیگران به این موضوع خسته شده است بعضی اوقات او دوست دارد که با نوک انگشتان پایش به آرامی از این میهمانی بزرگ و پرهیاهو خارج شود. ضیافتی که در آن تمامی حضار از سر تا سر جهان در مورد موفقیت او در گذشته برای پایان بخشیدن به نگرانی‌ها سخن می‌گویند.

«در حالی که من این مشکلات را برای خود حل کرده‌ام، هنوز هم مردم در مورد مسائل

۱- روزنامه تایمز، دوشنبه ۲۲ ژوئن سال ۱۹۷۰، ستون E صفحه ۱۳، عنوان آینده زنان.

۲- سید امیر فتحی مدرس زبان انگلیسی و دانشجوی مهندسی پلیمر دانشگاه صنعتی امیر کبیر.

ابتدایی و پیش پا افتاده بحث می‌کنند».

در مورد اِوا فیگز چنین احساسی وجود دارد: او زنی ۳۸ ساله است و به مدت ۷ سال مطلقه و بدون شوهر و به همراه پسر و دختر ۱۰ و ۱۲ ساله‌اش زندگی کرده است.

«این موضوع (جدا شدن از همسر) من را به شدت تغییر داده است، من از این‌که روی پای خود ایستاده‌ام پشیمان نیستم چرا که انتخاب دیگری نداشتم. برای یک نویسنده خلاق، علی‌الخصوص یک زن، استقلال امری مفید است. من همیشه بین زندگی زناشویی و نویسندگی با خلاقیت ناسازگاری می‌دیدم گرچه اکثر مردان کاری را که من می‌کردم درک می‌کردند و برای آن احترام قائل بودند (و من قادر به برقراری ارتباط با مردانی نبودم که برای کارهای من ارزش قائل نبودند). به عنوان مثال فرض کنید که شما می‌خواهید غذا حاضر کنید. اگر آن‌ها بخواهند که صحبت کنند شما قادر به ادامه کار نخواهید بود».

خانم فیگز بسیار خونسرد است و همیشه تبسم بر لب دارد.

«به خاطر نوع روابط جنسی ما، مردان کنترل بسیاری از موارد را در دست دارند. مرد وظیفه تماس گرفتن و دعوت کردن به بیرون را دارد و زن وظیفه صبر کردن و ناخن جویدن».

البته آن‌چه خانم فیگز را بیش از نزاع سنتی جنس زن و مرد نگران می‌کند نزاع اجتماعی آن دو است.

زنانی که مورد زورگویی واقع می‌شوند می‌بایست حداقل از لحاظ مالی و اجتماعی همسطح مردان خود قرار گیرند.

«در نوشته‌ها ما به زنان اطمینان خاطر و امنیت می‌دهیم اما زمانی که مشکلی بروز می‌کند حمایت مالی لازم، آن‌گونه که قانون تعیین کرده از آنان به عمل نمی‌آید لذا اکثر زنان به حمایت ملی روی می‌آورند، قانون حامی ثروتمندان است نه بی‌بضاعتان».

خانم فیگز در زندگی خود از ثروت بدور بوده و به ساده زیستی ادامه می‌دهد.

«بیکارهای شخصی من منجر به این شدند که من بفهمم سامانه قدرت تا چه حد ریاکار است. گویا فضای مدرن مدعی است که در صورت ارضای جنسی زن، نیازی به برابری اجتماعی و

تساوی در دستمزد وجود ندارد».

به نظر انتقادی معقول می‌رسد. اوا فیگز اغلب معقول و منطقی سخن می‌گوید. حتی می‌توان گفت که قدرت استدلال و منطق وی است که باعث زحمت او می‌شود نه حرکت و همدردی با حرکت آزادیخواهانه زنان.

«زنان در حال حاضر سازماندهی خوبی ندارند، اگرچه در خط شروع قرار دارند اما حداقل هم اکنون زنان با هم جمع می‌شوند و پیرامون مسائل مختلف بحث و تبادل نظر می‌کنند. امری که در گذشته بسیار زشت و شرم‌آور تلقی می‌شد. البته بسیاری از زنان نیز دست به هیچ اقدامی نمی‌زنند چرا که انتظار دارند تمام جامعه در یک حرکت ناگهانی تغییر یابد و من گمان می‌کنم که این هم نوعی دیگر از ترک میدان است».

او میدان را ترک نگفته و خونسردی خود را حفظ می‌کند. طی این سالیان او شاهد رشد فرزندان ازدواج ناموفق خود بوده است.

«اگر شما به زور و به بهایی‌گزاران بخواهید که تلخی و سختی را نابود کنید به‌طور حتم این تلخی در جایی دیگر ظاهر خواهد شد. فرزندان من آموخته‌اند که در زمان بروز سختی با آن مقابله کنند. رنج و دشواری چیزی است که آن‌ها باید پذیرفته و متوجه آن شوند. سختی قسمتی از زندگی است. مردم شدیداً بر این باورند که شما باید یک خانواده سنتی داشته باشید و نیز یک پدر. من به این امر اعتقاد جدی ندارم چرا که در مواقع بروز مشکلات والدین برای حل آن‌ها دچار گرفتاری می‌شوند. آن‌ها مشکلات عاطفی و زناشویی خود را در مقابل فرزندان خود مطرح می‌کنند. تنها زمانی که من نگرانی و مشکل را در فرزندان خود دیدم مربوط می‌شود به درست قبل از جدا شدن از همسر. در زمان بروز مشکلات زناشویی شما فرصت رشد و تعالی را نمی‌یابید. گویی قربانی بتی به نام ازدواج می‌شوید. فرزندان من به این نتیجه رسیده‌اند که این مشکلات دو جانبه هستند. آن‌ها برخوردهای زیادی از پدرشان می‌بینند».

او اشاره به این دارد که فرزندانش با این موضوع به‌طور عمومی و کلی دست و پنجه نرم می‌کنند و این مسائل تنها محدود به محیط خانه نیستند. آن‌ها نتیجه‌گیری خود را براساس جامعه

بزرگ‌تری انجام می‌دهند. طرز فکر آن‌ها در مورد مسائل مرتبط با مردانگی و زنانگی از موضوعات تلویزیون، تبلیغات، دنیای خارج و برخورد مردم با زنان شکل می‌گیرد.

«شما همیشه به آن چه آنان دقت می‌کنند توجه کافی ندارید چرا که به نظر شما خیلی مهم نمی‌آیند. تنها کاری که از من ساخته است این است که از پسر در تمیز کردن خانه و مرتب کردن رخت‌خوابش کمک بخواهم و به او بگویم که این کار به دور از مردانگی نیست».

شاید مهمترین مطلبی که اِوا فیگز به آن اشاره کرد این بود که زمانی فراخواهد رسید که زنان اهداف و مطالبات خود را با خشونت علنی کمتری بدست خواهند آورد. از زمانی که درگیری بر سر بایدهای زنان وجود داشت آنان راه درازی را پیموده‌اند. اما کماکان مشکلاتی نظیر آموزش، حق رأی و حتی افزایش هزینه‌های معیشت همگی نمایانگر نوع خردمندانه تهاجم علیه زنان است. «اگر آنان به ما اجازه دهند که هزینه زندگی را خودمان تأمین کنیم آن‌گاه مجبور نخواهند بود که تمامی صورتحساب‌ها را بپردازند و برای ماکت پشمنی بخرند».

خانم فیگز طرفدار جناح کارگر است و باربارا کاسل (*Barbara Castle*) را می‌ستاید. «او تنها زن درگیر سیاست است که مؤثر واقع می‌شود. ما نیاز به زنی در حد و اندازه عضویت در کابینه با خصوصیات او داریم. در ضمن او زن بودن و ظرافت خود را نیز حفظ کرده است. زنانگی موضوعی است که باید ساخته شود و از بدو تولد همراه انسان نیست».

اِوا فیگز خودش نیز در تمام مدت به‌طور زیبایی حرکات ظریف زنانه دارد. همراه با موهای نرم و قهوه‌ای که مانند دختر بچه‌ای دبستانی مرتب شده‌اند. او دارای چشمان قهوه‌ای روشن و چهره‌ای گرد و کوچک است.

او زنی است منطقی، باهوش و تحصیل‌کرده. او اعتقاد دارد که به روش دلخواه خود به زندگی ادامه خواهد داد. حتی امکان دارد که در همین روزها با عضوی از جنس مخالف تشکیل خانهای جدید دهد. «من می‌توانم در مورد زندگی با فردی دیگر عمیقاً فکر کنم. مخصوصاً حالا که بچه‌ها بزرگ‌تر شده‌اند زیرا در غیر این صورت بسیار تنها می‌شدم. اما آیا ازدواج رسمی و قانونی؟ دلیلی برای این کار نمی‌بینم».